

امسال کتاب‌ها منظم‌تر چیده شد

مهدی طهوری

و مطبوعات تشکر کرد و گفت: اگر خواستار اعتلا و پیشرفت جامعه هستیم، باید کمک کنیم موانع کارهای فرهنگی برداشته شود. وی همچنین از سازمان نمایشگاه‌های بین‌المللی و شورای شهر، برای برگزاری نمایشگاه تشکر کرد و از شور و حال نمایشگاه که در دوران وزارتش آغاز شد، ابراز خرسندی کرد. همراه ما باشید با جشنواره هجدهم کتاب.

نمایشگاه همین جاست

محمد جواد مرادی‌نیا، مدیر کمیته ناشران داخلی نمایشگاه است. او پیش از برگزاری نمایشگاه اعلام می‌کند که: ۹۶ هزار عنوان کتاب، در نمایشگاه بین‌المللی کتاب به نمایش درمی‌آید.

مرادی نیا می‌افزاید: در این دوره از نمایشگاه ۱۷۸۴ ناشر از تهران و شهرستان‌ها حضور دارند که ۱۰۵۷ ناشر به صورت مستقل و ۷۲۷ ناشر در قالب نمایندگی، جدیدترین کتاب‌های خود را به نمایش می‌گذارند.

این تعداد ناشر در گروه عمومی ۵۱ هزار عنوان، در گروه کودک و نوجوان ۱۰ هزار عنوان، در گروه آموزشی ۱۱ هزار عنوان و در گروه دانشگاهی ۲۲ هزار عنوان کتاب را که طی سه سال اخیر چاپ کرده‌اند، در نمایشگاه بین‌المللی کتاب عرضه خواهند کرد.

با وجود این، مسئله کاهش استقبال از نمایشگاه کتاب، یکی از نگرانی‌های صاحب نظران است. سال گذشته برآورد شد که ۳ میلیون نفر از نمایشگاه دیدن کرده‌اند اما امسال برآورد می‌شود این تعداد به ۲/۵ میلیون نفر کاهش پیدا کرده باشد.

محسن هجری، نویسنده اعتقاد دارد استقبال نسل سوم انقلاب از نمایشگاه کم‌تر شده است. او می‌گوید: برگزاری این گونه نمایشگاه‌ها دیگر برای ما عادی شده است، اما همیشه هیجان نسل سوم انقلاب برای خرید کتاب خوشحال کننده بوده که متأسفانه امسال کم‌رنگ شده است.

پارسال کارهای اجرایی برنامه‌ریزی نمایشگاه، دیرتر از هر سال آغاز شد. امسال هم تا آخرین لحظه‌ها، یعنی ۲۰ روز مانده به برپایی نمایشگاه کسی نمی‌داند مکان نمایشگاه واقعاً کجاست. بعضی‌ها معتقدند کم شدن استقبال مردم از نمایشگاه هم به همین قصه برمی‌گردد. به هر حال، دو سال است که اعضای شورای شهر تصمیم دارند برای پیشگیری از معضل ترافیک ده روز ناشی از نمایشگاه کتاب، آن را به محل دیگری منتقل کنند، اما بنا به دلایلی باز هم نمایشگاه در همان محل دائمی برگزار می‌شود.

محمد علی شعاعی، رئیس هجدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، در نشست با خبرنگاران می‌گوید: متأسفانه در دو سال اخیر تا آخرین

هجدهمین نمایشگاه کتاب بین‌المللی کتاب تهران، از چهاردهم تا بیست و چهارم اردیبهشت ماه، در محل دائمی نمایشگاه‌های تهران برگزار شد. نمایشگاه کتاب تهران بزرگ‌ترین رویداد فرهنگی در کشور است؛ به طوری که آن را جزو ۱۰ نمایشگاه بزرگ دنیا از لحاظ وسعت و حضور مخاطبان می‌دانند. در مراسم افتتاح این نمایشگاه مسجد جامع وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، شعاعی معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و صحفی معاون مطبوعاتی وزارتخانه سخنانی ایراد کردند و گزارش‌هایی از فعالیت‌های این وزارتخانه در هشت سال اخیر ارائه دادند.

رئیس جمهوری نیز در این مراسم از دست‌اندرکاران برگزاری نمایشگاه کتاب



لحظه‌ها نسبت به مکان برگزاری با تردید پیش می‌رویم و این به مدیریت چنین کار بزرگی صدمه می‌زند؛ در حالی که همه هم همراهی می‌کنند. او متذکر می‌شود: اگر بخواهیم نمایشگاه کتاب با همین گستردگی برگزار شود، محدودیت‌هایی هم وجود دارد. به جز مکان فعلی در حال حاضر جایی برای برگزاری اش وجود ندارد و امیدواریم مسئولان شهر تهران که خود در این امر سهیمند، زمینه‌های لازم را فراهم آورند تا ما از همین اکنون برنامه‌ریزی‌ها را آغاز کنیم.

با همه این‌ها نمایشگاه کتاب امسال، در ده روز برگزاری، کم‌ترین حجم ترافیک را نسبت به سال‌های گذشته دارد. کسانی که از در شمالی وارد نمایشگاه می‌شوند، پلاکاردهایی را می‌بینند که روی‌شان نوشته: «هرگونه سد معبر خلاف مقررات است و با متخلفان طبق مقررات رفتار خواهد گردید.» امسال دیگر از بازار بین‌المللی فروش فیلم‌های روز خبری نیست. پارسال آن قدر برگه تبلیغاتی دست مردم می‌دادند که اول باید دوش کاغذ می‌گرفتند. کاغذها از روی پل معلق می‌زدند و چرخ زنان در هوا روی سر ماشین‌ها فرود می‌آمدند، اما امسال از این خبرها نیست. همه مسیر پاک و مرتب است. جلوی در شمالی نرده کشیده‌اند و هر ماشینی بخواهد بی‌جا پارک کند، کلی جریمه می‌شود. صدای سید خندان، رسالت نارمک، دربست هم به گوش نمی‌رسد. ناه بیخشید به گوش می‌رسد، اما نه جلوی درهای نمایشگاه! امسال به جای دم در نمایشگاه که آن همه ترافیک ایجاد می‌کرد، راننده‌ها داخل نمایشگاه، بین سالن‌های ۳۷ و ۳۸ ایستاده‌اند و «ونک‌ونک» و «آزادی»، «آرایشگر» می‌کنند. ماشین‌های‌شان هم همین‌جا پارک است. ترافیک امسال اصلاً قابل مقایسه با سال‌های قبل نیست و اگر منصف باشیم، باید بگوییم مسئولان در این باره موفق بوده‌اند.

سال قبل بیشترین تبلیغ‌ها متعلق به انتشارات کمک آموزشی و نشرهای کنکوری بود. امسال از در شمالی که وارد می‌شوی، تبلیغ‌ها متعلق است به نشر بخشایش، فرهنگ معاصر، انتشارات مدرسه، دانش پژوهان فردا، ناشران آموزشی، آگهی باران‌های کتاب، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، گروه برتر ناشران پزشکی، سنجش تکمیلی، مؤسسه فرهنگی دکتر احمدی، کنکور تیموری، سومی‌های تجربی، کارشناسی به ارشد، کاردانی به کارشناسی و فرهنگ افتخارات پزشکی.

از طرف مؤسسه خانه کتاب، چهار پایگاه اطلاع‌رسانی نیز در جای جای نمایشگاه تعبیه شده است. این چهار پایگاه در مقابل درهای شمالی، جنوبی و غربی نمایشگاه مستقر هستند.

هم‌چنین، ایستگاه‌هایی در سالن‌های مینا، کارنامه نشر، اهل قلم، میلاد و فروش ربالی در نظر گرفته شده که بازدیدکنندگان می‌توانند برای کسب اطلاعات به آن‌ها مراجعه کنند. از طریق این پایگاه‌ها بازدیدکنندگان می‌توانند اطلاعاتی چون عنوان کتاب، ناشر، شماره سالن و غرفه را بدست آورند. این اطلاعات در دو بخش ناشران داخلی و خارجی است و ۱۰۰ نفر کار اطلاع‌رسانی رایانه‌ای را به عهده دارند.

مجتبی تبریزیا، مسئول اطلاع‌رسانی رایانه‌ای نمایشگاه، در گفت‌وگو با کمیته اطلاع‌رسانی نمایشگاه، در این باره می‌گوید: این افراد از بین کسانی انتخاب شده‌اند که از دانش، تخصص و مهارت بیشتری در این حوزه برخوردارند. انتشار کتابچه راهنمای ناشران شرکت کننده

در نمایشگاه، با قیمت ۲۰۰ تومان و عرضه لوح فشرده اطلاعات کتاب‌های ناشران داخلی و خارجی نیز از دیگر اقدامات واحد اطلاع‌رسانی است. راه‌های طولانی نمایشگاه همه ساله مشکل بازدیدکنندگان نمایشگاه است؛ خصوصاً اگر مقدار قابل توجهی هم کتاب خریده باشند و بخواهند باز هم بخرند. اما امسال قدری این مشکل قابل تحمل‌تر است؛ چرا که هفت غرفه امانات امسال برای اولین بار به همت سازمان جوانان هلال احمر، در محوطه نمایشگاه برپاست. مردم می‌روند بارشان را به جوانان هلال احمر می‌سپارند و دنبال خریدشان را می‌گیرند.

سال‌های قبل از پارسال، نمایشگاه کتاب از ساعت ۹ صبح شروع می‌شد. پارسال نمایشگاه از ساعت ۱۱ شروع می‌شد که موافقان و مخالفانی داشت و اما امسال؛ امسال نمایشگاه نه از ساعت ۹ و نه از ساعت ۱۱، بلکه هر روز از ساعت ۱۰ صبح آغاز به کار می‌کند!

یکی از مشکلاتی که هر ساله در نمایشگاه کتاب وجود داشته، مشکل باران است. سال‌ها بود که آب باران به داخل سالن‌ها نفوذ می‌کرد و تعدادی از ناشران خسارت می‌دیدند، اما امسال هیچ ناشری از این بابت خسارت ندیده است. راستی، مسئولان چه فکری در این باره کرده‌اند؟ ما چیزی در این باره نمی‌دانیم. ما فقط می‌دانیم امسال هیچ کس از باران خسارت ندیده.

و اما سالن‌ها؛ امسال سالن‌ها هم با هر سال فرق دارند. سال گذشته تعداد غرفه‌ها زیاد بود. بعضی سالن‌ها فقط یک در داشت و بسیار پیچ در پیچ طراحی شده بود، اما امسال دیگر از این پیچ در پیچ‌ها خبری نیست. جای نفس کشیدن غرفه‌ها بیشتر شده، اما تعداد غرفه‌ها کم‌تر شده است.

محمدعلی شعاعی، رئیس هجدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، در نشست با خبرنگاران درباره نظم بیشتر نمایشگاه امسال و تخصصی‌تر شدن آن می‌گوید: نتیجه همه تلاش‌ها برای نمایشگاه امسال، این بود که نمایشگاه حال و هوای منظم‌تری داشت.

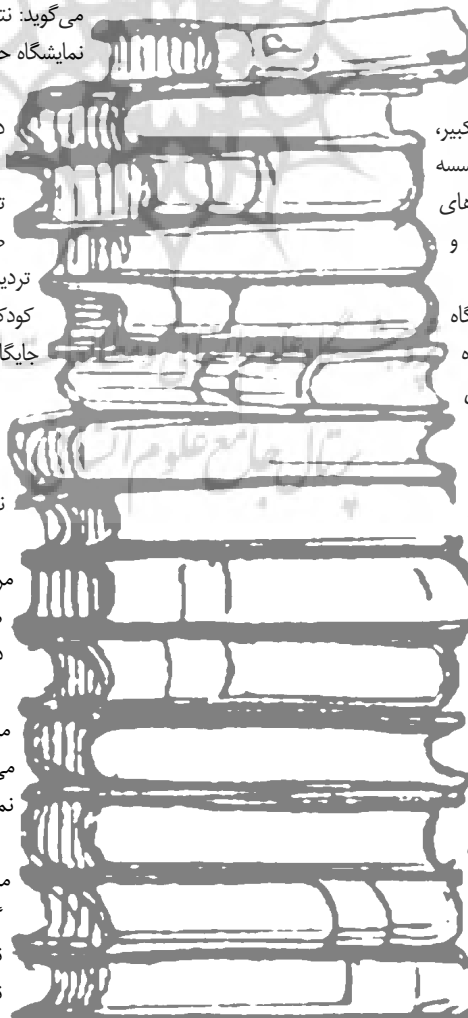
او درباره تخصصی‌تر شدن نمایشگاه می‌افزاید: در بحث تخصصی شدن، احتمالاً سال آینده این امکان را ایجاد می‌کنیم که سالن ادبیات و دین نیز تخصصی شود. با وجود این، هنوز بسیاری از صاحب‌نظران در مورد فلسفه وجودی نمایشگاه کتاب تردیدهایی دارند. مهنوش مشیری، تصویرگر کتاب‌های کودکان و نوجوانان، معتقد است نمایشگاه کتاب هنوز جایگاه حقیقی خود را پیدا نکرده است.

او انتقاد می‌کند که: نمایشگاه کتاب یک بازار مکاره است که هر کس چیزی را در آن ارائه می‌کند و پس از برگزاری آن هم هیچ اتفاقی در عرصه کتاب نمی‌افتد.

او ادامه می‌دهد: نمایشگاه یک تفریح‌گاه برای مردم است و آن‌ها برای سیزده بدر به این محل می‌آیند. کما این که نان، ماست و دولمه بهاره خود را در نمایشگاه می‌خورند.

او در خصوص نمایشگاه هجدهم کتاب می‌گوید: من به خاطر حرفه‌ای که دارم، از اکثر غرفه‌ها دیدن می‌کنم، اما هیچ تغییری در سطح کمی و کیفی نمایشگاه امسال مشاهده نکردم.

منوچهر اکبرلو، نویسنده و مدرس دانشگاه هم مانند مهنوش مشیری، معتقد است که برگزاری این گونه نمایشگاه‌ها کمکی به ترویج فرهنگ کتابخوانی نمی‌کند. او استدلال می‌کند: من مراجعان به نمایشگاه را به دو دسته تقسیم می‌کنم. دسته اول





حسین فتاحی: امسال از نظر نمایش دادن کتاب‌ها وضع بهتر شده است و ناشران سبک‌های جدیدی را برای نمایش کتاب‌ها انتخاب کرده‌اند. آن‌ها از وسائلی استفاده می‌کنند که، هم جنبه دکور و هم جنبه تبلیغات دارد. با وجود این، به این موضوع اعتقاد داریم که سالن‌های نمایشگاه برای نمایش کتاب ساخته نشده است و برای نمایشگاه‌های صنعتی ساخته شده

گشت و گذاری در سالن ناشران کودک و نوجوان

سالن ۳۸ همه ساله برای ما مهم‌ترین سالن است. در این سالن هم مثل سالن‌های دیگر، زیر عنوان هر نشر نوشته‌اند: درخت ایران ریشه در آب‌های خلیج فارس دارد.

خروجی‌ها و ورودی‌های این سالن، از تمام سالن‌های دیگر بیشتر است. این خروجی‌ها و ورودی‌ها محاسن زیادی دارد، اما این عیب را هم دارد که یک نفر ممکن است از یک در وارد شود و از یک در خارج شود و فکر کند همه جای سالن ۳۸ را دیده است.

انتشارات خانه ادبیات، امسال با کتاب‌های غول‌پیکر غوغوری و عروسک‌های بسیار بزرگ بر سر در و انواع رنگ‌های شاد، خودش را نشان می‌دهد و با استقبال بسیاری مواجه است. آن‌ها برای اطلاع عموم اعلان زده‌اند که: «انتشارات خانه ادبیات مبتکر کتاب‌های بزرگ غوغوری!»

این هم از نکته‌های جالب نمایشگاه هجدهم است که کوچک‌ترین کتاب از نظر اندازه برای جوانان و بزرگ‌ترین کتاب برای کودکان تهیه شده است. کتابی ۸۰۰ تومانی با عنوان مشهور «Love is» به اندازه ۲/۵ در ۳/۵ سانتی‌متر و با تعداد صفحات ۶۴ صفحه، از انتشارات رسپینا، کوچک‌ترین کتاب است.

مسئول غرفه رسپینا درباره این کتاب می‌گوید: تمام مراحل تهیه این کتاب کوچک، دستی انجام گرفته و صحافی آن بهترین کیفیت را داراست.

کتاب‌هایی هم اغلب با عنوان شخصیت‌های کارتون‌ی از قبیل شِرک، تام و جری، نمو و... در ابعاد نزدیک به یک متر و در بعضی از چاپ‌ها بیش از آن، بزرگ‌ترین کتاب‌های نمایشگاه است که ناشران متعددی از ناشران کودک و نوجوان آن‌ها را به چاپ رسانده‌اند. رنگ‌ها و شکل‌های این کتاب‌ها، بچه‌های زیادی را به سمت غرفه‌های فروش آن‌ها می‌کشاند؛ خصوصاً به سمت انتشارات خانه ادبیات که مبتکر کتاب‌های بزرگ غوغوری است. امسال درباره این کتاب‌ها و استقبال مخاطبان از آن‌ها، صاحب‌نظران بسیاری به بحث می‌پردازند. محمدهادی محمدی، در گفت‌وگو با ایسنا، کتاب‌های قطع بزرگ را فاجعه

افرادی هستند که برای گردش و تفنن به نمایشگاه آمده‌اند و دسته دوم کسانی که برای خرید کتاب به نمایشگاه آمده‌اند. دسته دوم در هر موقع از سال، براساس نیاز خود کتاب‌های مورد علاقه‌شان را تهیه می‌کنند و وجود نمایشگاه به آن‌ها کمک می‌کند تا آسان‌تر به کتاب‌ها دسترسی داشته باشند. بنابراین، برگزاری این گونه نمایشگاه‌ها کمکی به ترویج فرهنگ کتابخوانی نمی‌کند.

او می‌گوید: نمایشگاه امسال تغییر عمده‌ای نسبت به سال گذشته ندارد و طبق معمول، محلی برای تفریح است.

اکبرلو در خصوص چیدمان کتاب‌ها و غرفه‌ها می‌گوید: از آن جایی که این نمایشگاه بین فروشگاه بودن و نمایشگاه بودن پلاتنکلیف است، بنابراین چیدمان یا حجم اختصاص یافته به ناشران اهمیتی نداشت. در این نمایشگاه، امکان دیدن کتاب‌های جدید منتشر شده وجود ندارد؛ چه برسد به این که مخاطب بتواند با ناشر یا نویسنده مورد علاقه‌اش ارتباط برقرار کند. به عقیده من منطقی این است که این دو بخش از یکدیگر جدا شوند و تفکیک به وجود بیاید. به طور مثال، بخشی را به نمایش کتاب‌های جدید و بخش دیگر را به فروشگاه کتاب اختصاص دهند. او در ادامه درباره فعالیت‌های جنبی نمایشگاه امسال تصریح می‌کند: حجم سالن‌های کتاب زیاد است. همچنین، موضوع‌ها در بخش‌های جنبی تخصصی است. بنابراین این فعالیت‌ها، فعالیت‌های نمایانی نیست. به نظر من با توجه به هزینه‌ای که برای این گونه فعالیت‌ها می‌شود، بهتر است در زمان دیگری برگزار شود تا استقبال مردم هم بیشتر شود.

محمدرضا یوسفی، نویسنده قسمت فروش کتاب‌ها را با نمایشگاه بودن آن در تضاد می‌داند: دریافت ما از نمایشگاه بین المللی کتاب چیست؟ آیا فقط باید به جنبه فروش و سوداگری‌اش بپردازیم یا این که باید این حرکت، یک حرکت فرهنگی باشد؟ من خودم مضمون اصلی نمایشگاه را همین حرکت فرهنگی می‌دانم؛ چون اگر سوداگری باشد، سوداگران همه جا بازار دارند و نمایشگاه را صرفاً برای فروش بیشتر می‌خواهند.

نمایشگاه هجدهم می‌خواند و می‌گوید: وقتی کار نشر کتاب‌های خوب وارزشمند مسدود و بازار به سمت چنین کتاب‌هایی سوق داده می‌شود، طبیعتاً فرصت‌طلبانی پیدا خواهند شد که از هر چیزی جز به منافع مالی آن فکر نکنند. مسئله این‌ها روح و روان کودک نیست، بلکه صرفاً پولی است که به جیب‌شان سرازیر می‌شود.

اما محمود برآبادی، نویسنده، در این باره نظر دیگری دارد. او در گفت و گو با ایسنا می‌گوید: در غرب از هر روشی مثل تولید کتاب‌های عام، کتاب‌های قطع بزرگ و امثال آن برای جلب توجه مخاطبان استفاده می‌شود. شرایط مخاطبان متفاوت است. به همین دلیل، بازار سعی می‌کند این شرایط را به شکلی جوابگو باشد.

او این کتاب‌ها را برای مهدکودک‌ها مناسب می‌داند و می‌گوید: جاهایی که قرار است کتاب‌ها روخوانی و تصاویر آن به بچه‌ها نمایش داده شود، طبیعی است که این تصاویر مورد استقبال بچه‌ها قرار می‌گیرد.

کهزاد بیگی، مسئول غرفه خانه ادبیات است. او از فروش کتاب‌های نشرش راضی است؛ به ویژه که امسال جای مناسبی هم به نشر خانه ادبیات رسیده است.

البته کهزاد بیگی معتقد است: ما هر جا باشیم، فرقی برای مان نمی‌کند؛ چون مخاطبان خاص خودمان را داریم. با این همه او طرح گردش هر ساله غرفه‌ها در سالن را قبول دارد و می‌گوید: به نظر من حتماً باید گردش باشد. امسال ما جلوی یکی از درها افتادیم و این موقعیت باید برای ناشران دیگر هم اتفاق بیفتد.

این نشر برای غرفه‌اش ۱۰۰ متر تقاضا کرده و ۵۳ متر دریافت کرده است. کهزادبیگی در این باره می‌گوید: ما متراژ بیشتری می‌خواستیم که به ما واگذار نشد. الان هم در جادان کتاب‌ها و پذیرایی از بازدیدکننده‌ها محدودیت داریم. در نشر پیام مشرق، حباب‌ها روی سر مردم می‌رقصند. همین حباب‌ها باعث جذب خیلی‌ها می‌شود؛ هر چند در پیام مشرق هیچ محصولی که بشود با آن حباب بازی کرد، عرضه نمی‌شود.

انتشارات پیام محراب، علاوه بر کتاب‌های دینی کودک برای بچه‌ها، کتاب‌هایی مثل رساله توضیح المسائل، غزلیات شمس، قرآن و مفاتیح الجنان را نیز عرضه می‌کند.

در انتشارات پیام آزادی، این اعلان به چشم می‌خورد: انتشارات پیام آزادی، اولین ناشر نمونه سال ۷۰. علیان، از انتشارات پیام آزادی معتقد است: امسال تنوع کتاب‌ها بیشتر شده است. اما اظهار نگرانی می‌کند از این که امسال دزدی کتاب‌ها خیلی بیشتر شده و هر روز دو سه مورد اتفاق می‌افتد. او می‌گوید: حراست نیروی کافی ندارد و نمی‌تواند همه جا را کنترل کند. البته این مسائل در مکان‌های شلوغ همیشه هست و طبیعی است.

انتشارات بنی هاشم، یک انتشارات دینی است که به بچه‌ها سی دی‌های آموزشی قرآن عرضه می‌کند: «حفظ ۳۰ جزء هر آیه، یک نقاشی». نوحه هم در این غرفه عرضه می‌شود و البته مخاطب‌های خاص خودش را دارد.

انتشارات «با فرزندانگان» کتاب و بیشتر از آن اسباب‌بازی می‌فروشد. نشر آسمان خیال، مجموعه کتاب‌ها و پوسترهای پو ودوستان در آسمان خیال را عرضه می‌کند با پازل‌های ۵۰ تکه ۵۰۰ تومانی که همگی ترجمه است. عروسک خیلی بزرگی هم از این نشر گاهی در محوطه نمایشگاه حرکت می‌کند و با بچه‌ها

مجتبی تبریز نیا:

راه‌های طولانی نمایشگاه همه ساله

مشکل بازدیدکنندگان نمایشگاه است؛

خصوصاً اگر مقدار قابل توجهی هم

کتاب خریده باشند و

بخواهند باز هم بخرند.

اما امسال قدری این مشکل

قابل تحمل‌تر است؛

چرا که هفت غرفه امانات

امسال برای اولین بار به همت

سازمان جوانان هلال احمر،

در محوطه نمایشگاه برپاست.

مردم می‌روند بارشان را

به جوانان هلال احمر می‌سپارند

و دنبال خریدشان را

می‌گیرند

عکس می‌گیرد. این عروسک یک خرس زرد گنده است.

نشر آفتاب مهتاب هم کتاب پارلی برای بچه‌های دو تا شش ساله عرضه می‌کند که ترجمه است. جدا از این، آثار مکتوب و غیر مکتوب هم متنوع‌تر شده است. این تنوع مورد توجه پدرا مادرها و بچه‌هاست و گویا ناشران نیز این موضوع را دریافته‌اند. و اما نویسندگان؛ محسن هجری، نویسنده و محقق درباره سالن‌های کودک و نوجوان می‌گوید: در این سالن نشرهای مختلف، از روش‌های بسیار خوبی برای جذب کودکان و نوجوانان استفاده کرده‌اند.

وی می‌افزاید: ما نباید چندان دغدغه این را داشته باشیم که بچه‌ها چه کتابی می‌خوانند. ما باید مشکل سوق دادن جوانان و نوجوانان به کتابخوانی را حل کنیم.

حسین فتاحی، نویسنده هم درباره کیفیت نمایشگاه امسال اظهار می‌دارد: امسال از نظر نمایش دادن کتاب‌ها وضع بهتر شده است و ناشران سبک‌های جدیدی را برای نمایش کتاب‌ها انتخاب کرده‌اند. آن‌ها از وسائلی استفاده می‌کنند که، هم جنبه دکور و هم جنبه تبلیغات دارد. با وجود این، به این موضوع اعتقاد دارم که سالن‌های نمایشگاه برای نمایش کتاب ساخته نشده است و برای نمایشگاه‌های صنعتی ساخته شده. داخل سالن‌ها تاریک و محیط خفه است. اگر مسئولان قصد تعویض نمایشگاه را دارند، باید فضای سالن‌ها را طوری طراحی کنند که تهویه مطبوع و نور کافی در سالن‌ها وجود داشته باشد.

فتاحی در مورد سالن ۳۸ می‌گوید: این سالن بهتر از سالن‌های کتاب بزرگسال است. آرایش غرفه‌ها به نحوی است که بچه‌ها جذب آن‌ها می‌شوند و فضای مطلوبی است. اما محمدرضا یوسفی، نویسنده، چندان دل خوشی از نمایشگاه کتاب ندارد. او اظهار می‌کند: من کتاب ندیدم. بیشتر دکور دیدم. کتاب‌های بازاری فراوان بود. من دو بار از سالن ۳۸ بازدید کردم و به نظرم رسید ارباب رجوعی که دانشی ندارد، در این سالن کارش به انتخاب کتاب‌های متری غورغوری می‌کشد و راهی جز خرید کتاب‌های بازاری ندارد.

او درباره سالن ۳۸ ادامه می‌دهد: من خودم را جای پدر و مادرهایی می‌گذارم که آمده‌اند در این تزیینات فریبنده به دنبال کتاب بگردند. خیلی مشکل است و شاید اصلاً امکان‌پذیر نباشد. جای سالن کودک و نوجوان جای مناسبی نیست؛ جایی است در ته نمایشگاه و مسئولان باید متوجه باشند که باید برای بچه‌ها ارزش قائل شد. سالن‌های ابتدایی نمایشگاه، به نشرهای دانشگاهی تعلق دارد. در حالی که یک دانشجو کتاب دانشگاهی‌اش را از هر جایی باشد، تهیه می‌کند. شناخت مفهوم کودک و احترام گذاشتن به مفهوم کودکی، خیلی مهم است. کودک را پدر و مادر باید دور نمایشگاه بچرخاند تا این که سرانجام در اسفل السافلین، سالن کودک را پیدا کنند. در حالی که خسته خسته‌اند و طبیعتاً همان دم در چهار تا کتاب بازاری می‌خرند و می‌روند.

عروسک نسبتاً بزرگی با عرقچین سفید و لیخندش، از پنجره قلعه‌ای به مردم زل زده و بازدیدکنندگان را دعوت می‌کند از نشر افق دیدن کنند. انتشارات افق در سال ۸۳، هر پنج روز یک کتاب جدید منتشر کرده است. مهدی بیگدلی، مدیر فروش و بازرگانی نشر افق، درباره کتاب موفق امسال‌شان می‌گوید: در غرفه‌های ما امسال از مجموعه ۱۲ جلدی کتاب‌های «می‌می‌نی» که شعرهای آقای ناصر

کشاورز است، استقبال خوبی شده است.

او درباره میزان استقبال کنندگان ادامه می‌دهد: شاید جای ما نامناسب است. حس می‌کنم جمعیت کم‌تر از پارسل است؛ البته به جز روزهای پنج‌شنبه و جمعه. فروش ما نسبت به سال قبل پیشرفتی نداشته است. با توجه به افزایش قیمت‌ها فکر می‌کنم امسال فروش نسبت به پارسل کم‌تر است.

او درباره چیدمان غرفه‌ها و فضای سالن می‌گوید: امسال راهروهای باز بیشتر است. خروجی‌ها زیادند و جمعیت به شاخه‌ها و راه‌های مختلف کشیده می‌شود. بنابراین، نظم و آرامش بیشتر است.

روبه‌روی نشر افق، محسن سلامی نژاد، از انتشارات انجام کتاب، در غرفه‌ای ایستاده است که البته متعلق به انتشارات انجام کتاب نیست. سلامی نژاد در این باره می‌گوید: امسال تعداد ناشرها را خیلی کم کرده‌اند. سال گذشته اگر حدود ۲۰۰ غرفه شرکت داشتند، امسال در حدود ۱۵۰ غرفه است. شرایط خیلی سختی برای تحویل غرفه گذاشتند. حتماً باید ۵۰ عنوان کتاب از سال ۸۱ تا ۸۳ ناشر چاپ کرده باشد. یک ناشر که ده عنوان کتاب تولید کرده است و می‌خواهد ده عنوان کتابش را عرضه کند، چه باید بکند؟ ناشری همین اتفاق برایش افتاد و می‌خواست به من نمایندگی بدهد، اما نتوانست؛ چون خودم هم لب مرز بودم و اتحادیه قبول نکرد. او کتاب‌هایش را در غرفه یکی از دوستانش گذاشت و بازرسان ارشاد آن‌ها را جمع کردند.



آخر وقت و اول وقت جارو می‌زنند که خاک بلند نشود. ما امسال غرفه مستقل نداشتیم، ولی فروش مان از پارسل بیشتر بود.

امسال تعدادی از ناشران در نمایشگاه شرکت ندارند. علت این امر هم قوانین سختی است که برای حضور آن‌ها وضع شده است. محمدجواد مردانی، مدیر کمیته ناشران داخلی، در گفت‌وگو با کمیته اطلاع‌رسانی نمایشگاه اظهار می‌دارد: امسال با توجه به استقبال گسترده ناشران کشور برای شرکت در نمایشگاه بین‌المللی کتاب، وزارت ارشاد و اتحادیه ناشران برای حضور هرچه بیشتر ناشران تمهیداتی اتخاذ کردند، لیکن محدودیت فضای نمایشگاه باعث شد تا تعدادی از ناشران نتوانند در این دوره از نمایشگاه کتاب شرکت کنند.

مردانی نیا تصریح می‌کند: هم‌چنین امسال به منظور تأمین امنیت و ایجاد ایمنی در سالن‌های بخش ناشران داخلی، یک هزار متر از فضای مفید این بخش کم شده و همین مسئله تا حدودی فضای ناشران داخلی را محدود کرده است.

میان این همه رنگ و جذاییت، NGOهایی مثل سازمان جوانان هلال احمر و بنیاد امور بیماری‌های خاص، محک (مؤسسه خیریه حمایت از کودکان سرطانی)، مرکز خیریه مالی وحدت، مؤسسه خیریه کرامت و انجمن حمایت از حقوق کودکان نیز در گوشه نمایشگاه، لحظه‌های خلوتی را پشت سر می‌گذارند. اما آن طرف‌تر، مردم در غرفه پست ازدحام کرده‌اند. رضایی، مسئول این غرفه درباره فعالیت غرفه‌اش می‌گوید: مردم یک قطعه عکس از اعضای خانواده‌شان به ما می‌دهند و بعداً این عکس‌ها در شرکت پست، تبدیل به تمبر می‌شود. هدف از این کار هم ترویج فرهنگ تمبر در کشور است.

نشر پیدایش با یک غرفه نسبتاً بزرگ و شلوغ، میزبان کتاب دوستان کودک است. دیواره این نشر را یک قطار بزرگ و رنگارنگ تشکیل می‌دهد. محسن طائب، مسئول نشر پیدایش می‌گوید:

امسال در نشر پیدایش بیشتر کتاب‌هایی مورد توجه قرار گرفته که دارای مضامین آموزشی هستند. برای نمونه کتاب‌هایی که مربوط به دانش پایه بچه‌ها می‌شود؛ مثل مجموعه غذای سالم یا الکتریسته و آهن‌ربا. متن این کتاب‌ها کوتاه است و با تصویر ارائه می‌شود. البته کتاب‌های ما به دلیل تنوع‌شان مورد توجه بوده‌اند.

او درباره چیدمان غرفه‌ها معتقد است: چیدمان غرفه‌ها هر سال عوض می‌شود. امسال ما باید سمت در غربی قرار می‌گرفتیم که یک قاعده دیگر

گذاشتند و ما این جا افتادیم. امیدواریم سال دیگر که ما می‌خواهیم در یک قسمت خوب نمایشگاه بیفتیم، دیگر قاعده‌ای نگذارند که قسمت نامطلوب دیگری نصیب ما شود. هر سال قواعد جدید وضع می‌کنند. هیچ وقت هم یک کار کارشناسی محکم روی غرفه‌چینی نمی‌شود که جای غرفه‌ها حداقل پنج سال ثابت بماند.

طائب درباره فایده ثابت بودن جای غرفه‌ها ادامه می‌دهد: منفعت ثابت بودن جای غرفه‌ها، بیشتر به ناشران کوچک می‌رسد. ناشران بزرگ، چون شناخته شده‌اند، هر جای سالن قرار بگیرند، بالاخره مخاطب خود را پیدا می‌کنند. در این سالن، چهار غرفه ۱۰۰ متر به بالا داریم که هر کس آن‌ها را ببیند، داخل می‌شود. در حالی که غرفه‌های ۱۲ متری و ۱۶ متری، با این تغییرات نابود می‌شوند. مثلاً نشری ۲۰ عنوان کتاب دارد و توانسته از هر ۱۰۰ مخاطب با ده نفر ارتباط برقرار کند. آن ده نفر جای این ناشر را در سالن یاد می‌گیرند و سال دیگر به همان جا می‌آیند که البته آن ناشر جایش عوض شده و آن‌ها باید میان ۳۰۰ تا غرفه بگردند و نشرشان را پیدا کنند.

انتشارات شکوه اندیشه، محصولات یادگیری زبان عرضه می‌کند. سمیرا صفرپور از انتشارات شکوه اندیشه، گلایه می‌کند که: ما این جا مشکل تنفسی

سلامی نژاد ادامه می‌دهد: نشر ما هم زیر پوشش نشر دیگری رفت. کتاب‌های نشر من از سال ۸۱ تا ۸۳، ۱۳ عنوان بود. کاغذ در اختیار من نگذاشته بودند تا کتاب چاپ کنم. اگر کاغذ می‌دادند، به جای ۵۰ جلد ۸۰ جلد چاپ می‌کردم. به من گفتند برو یک انتشاراتی دیگر پیدا کن که آن هم به اندازه ۳۷ عنوان کتاب داشته باشد که یک غرفه بگیرد. من ۱۸ سال است در نمایشگاه شرکت می‌کنم؛ از همان اول که فقط یک سالن بود تا الان. حالا به من می‌گویند نیا! بالاخره من نشری پیدا کردم که ۳۰ عنوان کتاب داشت، اما باز هم قبول نمی‌کردند. دستخط از ما گرفتند که تعداد عنوان‌های ما ۵۰ تا نشده. اگر غرفه به ما نرسید، اعتراضی نداریم. ما هم نوشتیم و دادیم و بالاخره توانستیم یک غرفه ۹ متری بگیریم.

از او می‌خواهم امسال و پارسل را با هم مقایسه کند. جواب می‌دهد: به نظر من امسال یک مقدار خیلی کم، حدود ۱۰ درصد، اجحاف شده بود. اما این اجحاف از پارسل کم‌تر بود. پارسل راهروها را بسته بودند و آرایش غرفه‌ها بد بود. پارسل راهروها تنگ و آرایش بد بود، اما امسال راهروها بازتر است و تعداد ناشران کم‌تر. این سالن موکت است و به خاطر بچه‌ها که ممکن است گرد و خاک اذیت‌شان کند،

داریم. هواکش اصلاً روشن نیست و کفترهای بالای سر ما هم باعث آلرژی ما شده. او از آدم‌ها و فضای نمایشگاه هم زیاد راضی نیست و می‌گوید: آدم‌هایی که به نمایشگاه آمده‌اند اصلاً دانشجو و کتاب دوست نیستند. فقط یک تعداد آمدند که «آشناوتیون» جمع می‌کنند. امسال مشکل دزدی داشتیم. مردم فکر می‌کنند هرچی توی غرفه هست، می‌توانند بردارند و ببرند. یک آقای آمده بود، مریض بود و نسخه‌اش را به من نشان می‌داد. من به او پوستر دادم. گفت: من پوستر نمی‌خواهم. پول می‌خواهم! یکی دیگر از بهزیستی آمده بود که به ما کتاب بدهید. یک نفر دیگر هم فکر می‌کرد با کارت ورزشی‌اش می‌تواند کتاب مجانی ببرد!

انتشارات نوبهار، با شعار «اولین کتابخانه من، اولین وسیله برای پیشرفت من»، کتاب‌هایی با عکس پیشی به علاقه‌مندان می‌فروشد. اما کتاب درنا، در این غرفه به ندرت کتاب کودک دیده می‌شود. زمزمه زنگ کلبوس نگاه، معنوی مثنوی، چشمان منتظر، همراز عشق و حادثه یک نگاه و کلی کتاب دیگر در کنار سه کتاب «کره خر غمگین»، «خرگوش دانا و گرگ نادان» و «روبا و لک لک» کتاب‌های این نشر را تشکیل می‌دهد.

در نشر دانش ایران هم یادکنک‌های غول آسای سگ و قایق به رنگ‌های قهوه‌ای و نارنجی فروخته می‌شود. سارا و دارا بالای سر غرفه بسیار بزرگ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، در پوست‌هایی عظیم بچه‌ها را نگاه می‌کنند و آن سوی سالن، نشر قدیانی قرار دارد. نادر قدیانی، مدیر نشر قدیانی و کتاب‌های بنفشه می‌گوید: «من امسال نمایشگاه را نسبت به سال‌های گذشته پربارتر می‌بینم. خوب است مسئولان اجرایی ترتیبی بدهند که سال آینده هم شنبه روز پایان نمایشگاه باشد. این کار این حسن را هم دارد که پنج شنبه و جمعه خلوت‌تر می‌شود و یک مقدار نمایشگاه نفس می‌کشد.

قدیانی درباره محصولات نشر خود توضیح می‌دهد: ما از نمایشگاه هفدهم تا هیجدهم ۱۳۷ عنوان اثر جدید آورده‌ایم که از این ۱۳۷ عنوان ۳۵ عنوان مال سال ۸۴ است که هیچ جای ایران توزیع نشده و از هر کدام فقط ۵۰۰ عنوان به نمایشگاه آمده است که استقبال از همه عالی است. البته از بعضی کتاب‌ها استقبال بیشتر است. تا الان ۱۳۰۰ دوره از کتاب «چهارده قصه، چهارده معصوم» آقای فتاحی که در چهارده کتاب به صورت بسته‌بندی ارائه می‌شود، به فروش رفته است. ۵۰۰ دوره مجموعه کتاب‌های فسقلی آورده بودیم که تمام شده است. ۵۰۰ نسخه از جلد‌های دهم و یازدهم و دوازدهم از مجموعه رمان نوجوانان «سرزمین اشباح» را به نمایشگاه آوردیم که همان دو روز اول تمام شد. کتاب «داستان پیامبران» علی موسوی گرمارودی هم در چاپ سیزدهم خود ۳۰۰ نسخه فروش رفت.

او درباره سالن ۳۸ ادامه می‌دهد: سالن کودکان و نوجوانان، تنها سالنی است که در این سال‌ها ثابت مانده است. این سالن تنها سالنی است که بیشتر از ۵۰۰ متر فضا دارد، چهار گوش است و چهار طرفش در دارد. وسط نمایشگاه و بغل پارکینگ است و در خلوت‌ترین روزهای نمایشگاه هم پر از جمعیت است. این سالن، سالن بسیار خوبی است و تنها راه چیدن غرفه‌ها، حالت گردش است که به صورت الفبایی سه سال قبل از در شرقی شروع شد. سالن گذشته از در غربی و امسال هم از در جنوبی شروع شد.

انتشارات قدیانی، علاوه بر موکت در غرفه خود، از کف پوش هم استفاده کرده

محمدرضا یوسفی:

قسمت فروش کتاب‌ها را

با نمایشگاه بودن آن در تضاد می‌دانم:

دریافت ما از نمایشگاه بین‌المللی کتاب

چیست؟ آیا فقط باید به جنبه فروش

و سوداگری‌اش بپردازیم

یا این که باید این حرکت،

یک حرکت فرهنگی باشد؟

من خودم مضمون اصلی نمایشگاه را

همین حرکت فرهنگی می‌دانم؛

چون اگر سوداگری باشد،

سوداگران همه جا بازار دارند و

نمایشگاه را صرفاً

برای فروش بیشتر می‌خواهند

است. روشنایی این غرفه هم چیزی بیشتر از روشنایی باقی غرفه‌هاست. قدیانی در این مورد می‌گوید: یک انبار ۱۰۰ متری در مؤسسه ما فقط وسایل غرفه را نگهداری می‌کند. روشنایی گاز، پلاکاره، کف پوش و قفسه‌های کشویی، همه مخصوص انتشارات قدیانی است که خودمان نصب می‌کنیم و خودمان جمع می‌کنیم و می‌بریم. انتشارات شبابویز امسال، هم در سالن ۴۱ (بازار جهانی کتاب) و هم در سالن ۳۸ غرفه دارد. این انتشارات امسال بعد از دو سال در سالن ۳۸ نیز غرفه گرفته است. فریده خلعتبری در این باره می‌گوید: من امسال بعد از دو سال در سالن ۳۸ هم غرفه گرفتیم؛ چرا که فکر می‌کردم با حضور آقای مرادی نیا، مدیر کمیته ناشران داخلی، سیاست‌هایی که قبلاً بوده شاید عوض شده باشد. در سال‌های گذشته، بارها و بارها پشت سر هم حق شبابویز، به عنوان ناشری که می‌توانست ناشر برگزیده نمایشگاه باشد، از بین رفته بود. امسال فکر می‌کردم که وضع باید به خاطر وجود آقای مرادی نیا که بسیار آدم منصف و درستی است، بهتر شده باشد.

انتشارات شبابویز، سال گذشته غرفه‌ای در سالن مبنا (سالن ویژه ناشران بین‌المللی) داشت. مدیر نشر شبابویز در این باره ادامه می‌دهد: ما امسال هم قصد داشتیم در سالن مبنا غرفه بگیریم، ولی نتوانستیم و این تصمیم مسئولان برگزارکننده نمایشگاه بود. با وجود این که بازار جهانی کتاب ایران، تنها بخش نمایشگاهی نمایشگاه کتاب است و اهمیت بسیار بالایی دارد (چرا که تنها بخشی است که در آن کپی رایت کتاب‌های ایرانی می‌تواند فروخته شود)، به آن کم‌ترین بها را دادند. ما جایی هستیم که از ناشران بین‌المللی دوریم و سالتی است که اصلاً مناسب فعالیت بازار جهانی نیست و به قدری منظره غرفه ما بد است که اصلاً در شأن بازار جهانی کتاب جا نمی‌گیرد. پر است از کارتن کتاب و درواقع انبار کتاب است. وسایل خوراکی‌شان را این‌جا می‌گذارند و آشغال‌های‌شان را پرت می‌کنند. امسال در مراسم گشایش نمایشگاه، انتشارات قدیانی و پیدایش به صورت مشترک، در حوزه کودک و نوجوان به عنوان ناشر برگزیده بخش خصوصی انتخاب شدند و از انتشارات شبابویز قدردانی شد.

غرفه انتشارات «زیتون» نیز شرکت کننده برگزیده کودک و نوجوان در هجدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران شد.

فریده خلعتبری به این انتخاب‌ها معترض است و اعتقاد دارد که انتشارات شبابویز حتماً باید ناشر سال می‌شد. او می‌گوید: بدون شک، من معتقدم که شبابویز نه تنها باید ناشر سال ایران می‌شد، باید ناشر برگزیده نمایشگاه هم می‌شد. عملکرد شبابویز در سالن ۸۳ کاملاً مشخص است و هر کسی غرفه شبابویز را دیده، می‌تواند قضاوت کند که شبابویز در چه حد و اندازه‌ای ظاهر شده است. متأسفانه، صد درصد حق شبابویز در این مورد نادیده گرفته شد.

او ادامه می‌دهد: من می‌توانم عملکرد شبابویز را در سال ۸۳ به هر جایی ارائه کنم تا هر کسی می‌خواهد، قضاوت کند که ناشری که این چنین در طول یک سال کار کرده، حقتش بوده است که ناشر سال باشد یا خیر؛ خلعتبری درباره غرفه شبابویز می‌گوید: غرفه ما غرفه بسیار شلوغی است؛ پر از بازدیدکننده و خریدار کتاب و ما آدم‌های متفرقه‌گردی کم‌تر داریم. من دلم می‌خواهد نشان بدهم که یک ناشر ایرانی هم می‌تواند خودش را به استانداردهای فراملی برساند و در سالتی که یک بازار مکاره فروش کتاب‌های کم‌ارزش فرهنگی است، کارهای اصیل ایرانی ارائه بدهد.